



قابلیت‌های دولت جهانی حق بنیاد در اجرای حداکثری حقوق بشر*

محمد رضا امامزاده^{۱*} - دکتر محمد شریف شاهی^{۲**}

دکتر امیر مقامی^{۳****} - دکتر سید محمد صادق احمدی^{۴****}



This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

استقرار دولت جهانی حق بنیاد (اتحاد بشریت تحت یک قدرت سیاسی مشترک و مقید به هنجارهای حقوق بشری) به عنوان غایت سازه‌آرشی دولت-کشوری به زعم برخی از اندیشمندان شدنی و اجتناب‌ناپذیر بوده و پیش‌فرض ما برای تبیین قابلیت‌های این دولت در اجرای حداکثری حقوق بشر قرار گرفته است. در پژوهش پیش‌رو پرسش اصلی آن است که دولت جهانی چه جذابیت‌هایی برای اجرای حداکثری حقوق بشر دارد؟ در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین قابلیت‌های دولت جهانی، ویژگی‌های این دولت در اجرای هنجارهای حقوق بشر به تفکیک نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری بحث شده و نتیجه پژوهش، گویای جاذبه‌های ممتاز دولت جهانی به جهت استفاده انحصاری و مشروع از زور (دولت وبری) شناسایی متقابل تمامی کنش‌گران (دولت‌هنگلی) همبسته کردن بشریت و کنترل منازعات و هماهنگی بین کشوری (دولت‌کانتی) کارکرد حداقلی و ضروری (تضمین حق منفی) استقرار عدالت توزیعی و بازپخش منابع ثروت در جهان (تضمین حق مثبت) و.. است که می‌تواند موجب اجرای حداکثری حقوق بشر گردد.

کلیدواژگان

حقوق بشر، دولت جهانی، حکمرانی جهانی، جهان شمولی حقوق بشر، جامعه جهانی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمد رضا امامزاده^۱ با عنوان «امکان‌سنجی دولت جهانی و تاثیرگذاری آن بر حقوق بشر» با راهنمایی دکتر محمد شریف شاهی است.

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران/

ایمیل: dr.shahi@khuisf.ac.ir

**** استادیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان.

***** استادیار گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

در عصر حاضر می‌توان بسیاری از مفاهیم را با یک خوانش جهانی تصور کرد از اقتصاد و سیاست گرفته تا فرهنگ و امنیت و... به عبارت بهتر جهانی شدن موجب شده تا بسیاری از موضوعات به صورت روزافزون حالت فراملی پیدا کنند. در فاز جهانی شدن کنش‌های متقابلی ظهور و بروز داشته که از جمله آن جهانی شدن و حقوق بشر است. به نظر می‌رسد توسعه گفتمان حقوق بشر، به فرایند جهانی شدن کمک کرده و جهانی شدن نیز موجب هرچه بهتر شدن کیفیت اجرایی حقوق بشر در جهان شده است. جهانی شدن اگرچه منجر به پایان جنگ سرد شده و ویژگی نظم امروزی در رابطه با همکاری‌های فراملی و تحقق جامعه مدنی جهانی وابسته به آن است. ولی در مقابل، دوران پس از جنگ سرد ضد صلح و ثبات جهانی معرفی شده، که موجب گسترش تسلیحات، خشونت و آشوب شده که حقوق بشر را تضعیف و باعث سردرگمی اجتماعی، مقاومت فرهنگی شدید و رخدادهای ضد حقوق بشری مانند تروریسم، سیل پناهندگان، نسل‌کشی، جنگ‌های داخلی و... پس از جنگ سرد شده است.

دولت مدرن و ستفالیایی در عصر حاضر در مواجهه با هنجارهای حقوق بشری تبدیل به دولت مدرن حق‌بنیاد شده و در رابطه با ملزومات جهانی شدن، ناگزیر از فرسایش به نفع نهادهای فراملی و حکمرانی جهانی شده است و جمع این سه به زعم نویسندگان، دولت جهانی حق‌بنیاد را در نهایت شکل خواهد داد. ونت به سان ژنگ دولت جهانی را اجتناب‌ناپذیر توصیف کرده و معتقد است دولت جهانی نمی‌تواند بر مبنای استبدادی امپراتوری گونه، وضعیتی باثبات ایجاد کند لذا ناگزیر از ساختی هگلی و متکی بر شناسایی همه کنش‌گران است و تنها این وضعیت غایی، مطلوب و پایانی بر آنارشی دولت - ملتی است. به عبارت دیگر حتی دولت جهانی مستبد هم وضعیت غایی نبوده و صرفاً یک ساختار دوران گذار است که با مقاومت‌های درون‌سیستمی، ناگزیر از تبدیل شدن به دولتی حق‌بنیاد با ویژگی‌های مذکور است.

در این مقاله بر آنیم با یک رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این سوال پاسخ دهیم که اگر بنا بر مفروضات فوق دولت جهانی غیراستبدادی در آینده شکل بگیرد این دولت چه قابلیت‌هایی در حوزه اجرای حقوق بشر خواهد داشت؟ فرضیه این پژوهش اجرای حداکثری حقوق بشر در پرتو ویژگی‌های منحصر به فرد دولت جهانی است و هدف این پژوهش تبیین قابلیت‌های این دولت همگانی (اتحاد بشریت تحت یک قدرت سیاسی مشترک) با خصیصه حق‌بنیاد بودن (نسخه نهایی دولت فراگیر) در حوزه حقوق بشر به تفکیک نسل‌های سه‌گانه است.

۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با دولت جهانی و حقوق بشر کتب و مقالات متعددی به چاپ رسیده است که این دو موضوع را بیش‌تر به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار داده ولی ارتباط آن‌ها با یکدیگر

کم‌تر مورد توجه بوده و نوآوری این پژوهش نیز نسبت به سایر پژوهش‌ها بر همین مبنا استوار است. در کتاب «چرا دولت جهانی اجتناب‌ناپذیر است» (ونت و سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۵۶)؛ (Wendt and Salimi, 2021: 156) با ارائه منطقی غایت‌گرایانه برای آنا‌رشی دولت - ملت (نظم سیاسی بدون وجود هیچ نهاد برتر و مبتنی بر تعادل نیروها) استدلال کرده است که مبارزات برای شناسایی، ما را به سمت یک وضعیت نهایی که همان دولت جهانی است می‌برد که این دولت جهانی یک دولت وبری (با انحصار به کارگیری زور و خشونت مشروع) با ساخت‌هنگلی (شناسایی متقابل تمامی اتباع) است. این کتاب در حوزه اثبات نظریه دولت جهانی ارزشمند بوده ولی در رابطه با بیان قابلیت‌های این دولت دچار ضعف است.

در مقاله «پارادوکس سلسله مراتبی و تعارض ارزش‌ها در حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حکومت جهانی» (Jootaek Lee, 2020: 21) بیان شده است که نظم سلسله مراتبی موجود نتوانسته هنجارهای حقوق بشری را به‌طور موثر اجرایی کرده و سیستم مبتنی بر نظم و ستفالیایی نیز مانع تحقق کامل جامعه جهانی شده لذا یک دولت جهانی با استقرار نظم غیرسلسله‌مراتبی می‌تواند هنجارهای حقوق بشری را اجرایی تر و بسیاری از مسائل بین‌المللی از مهاجرت تا تغییرات آب و هوایی و... را حل کند. اشاره به تأثیرات مثبت دولت جهانی در اجرای حداکثری حقوق بشر از امتیازات این مقاله است.

در مقاله «سیاست و نظریه حکمرانی جهانی» (Orfeo Fioretos & Jonas Tallberg, 2021: 26) حکمرانی جهانی در دو قطب درگیر (ملی‌گرایی و جهانی‌شدن) تحلیل و سپس در سه حوزه‌ی اقتدار، مشروعیت و رقابت مورد بحث قرار گرفته و نوآوری‌ها برای بهبود درک حاکمیت جهانی معاصر تبیین می‌شود. این پژوهش در تکمیل اجزای نظریه حکمرانی جهانی مفید فایده ولی در رابطه با وجه امتیاز حقوق بشری این حکمرانی ناقص است.

در مقاله پدیده اجتماعی حقوق بشر، جهانی‌شدن و آزادی فردی (Qandov et al., 2020: 8) تضمین حقوق بشر در دنیای جهانی مورد بحث قرار گرفته و به نقش سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی به‌عنوان حکمرانان جهانی که توانسته‌اند حقوق بشر را به مفهومی سازمانی، حقوقی و بین‌المللی در یک مقیاس جهانی تبدیل کنند اشاره و به برخی از فرآیندهای بهینه‌سازی اجرای حقوق بشر اشاره شده است. این پژوهش دو مقوله اساسی جهانی‌شدن و حقوق بشر را در ارتباط با یکدیگر به‌طور مطلوب تحلیل نموده ولی در حوزه تأثیرات این دو بر دولت مدرن بحثی مطرح نکرده است.

۲- چارچوب مفهومی

بررسی جریان‌های فکری در خصوص جهانی‌شدن موید این است که مکاتبی مانند واقع‌گرایان و لیبرال‌ها و ... جهانی‌شدن را فرایند گسترش ارتباطات بین جوامع و دولت‌های ملی در یک جامعه

یا سیستم بین‌المللی تعریف کرده و قائل به تغییر اساسی در ساختار نظام بین‌المللی بر محوریت دولت - کشور نیستند (علیرغم اذعان به امکان کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها). در دسته دوم دیدگاه‌ها حول یک تمایز اساسی بین فرایند بین‌المللی شدن^۱ و فرایند جهانی شدن^۲ است. این دسته بین‌المللی شدن را همان اعتقاد دسته اول دانسته ولی جهانی شدن را گذار از بین‌المللی شدن به سمت جهانی شدن برای شکل‌گیری یک جامعه جهانی یا تبدیل جهان به یک مکان واحد برای زندگی بشر می‌دانند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳-۴)؛ (Mohammadi, 2006: 4-13).

در این جامعه‌ی جهانی برخی از اندیشمندان، سطحی از یک دولت فراگیر را ضروری انگاشته و به تبع آن شکل و صلاحیت‌های متفاوتی برای این دولت طرح کرده‌اند (Tinnevelt, 2012: 1) برخی مانند زورن برای استقرار دولت فراگیر، حکم‌رانی جهانی چندسطحی را پیشنهاد کرده (Zürn, 2010: 80) و برخی مانند مارتین شاو از یک انقلاب دمکراتیک (رشد دولت‌های دمکراتیک و افول دولت‌های اقتدارگرا) و تاسیس دولت جهانی بلوک غرب بعد از جنگ سرد برای مدیریت امور جهان سخن رانده‌اند (Shaw, 2000:167) از نظر عملی تحقق دولت جهانی می‌تواند در چند سطح مطرح باشد. سطح رقیق تحت عنوان حکمرانی جهانی و از طریق سازوکارها و نهادهای بین‌المللی (دولت منهای حکومت)؛ سطح نرم که تحقق دولت جهانی به صورت متمرکز ولی محدود و در کنار دولت‌های ملی صورت می‌گیرد مانند فدراسیون جهانی (دولت با حکومت محدود)؛ سطح سخت با ظهور دولت فراگیر همراه با برجیده شدن دولت‌های ملی (دولت واحد با حکومت بی‌رقیب).

البته منتقدان دولت جهانی با طرح سه ایراد اصلی شامل امکان‌ناپذیری، نامطلوبیت و ضدکثرت‌گرایی، این ایده را علیرغم اذعان به قابلیت‌های آن رد کرده‌اند.

جهانی شدن با گسترش ارتباطات انسانی (آگاهی آنی از همدیگر)، موجب تغییر باورها و غلبه جهان شمولی حقوق بشر بر روابط بین‌الملل و منطق مسلط بر این روابط شده و با هنجارسازی جهانی و ترویج گفتمان‌های حقوق بشری نقض حقوق بشر در جامعه بین‌المللی را دشوار کرده است (ذاکریان، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۰)؛ (Zakerian, 2014: 50-51). نظام هنجاری حقوق بشر نیز در عصر جهانی شده در حوزه مفهومی در قالب سه نسل شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، حقوق اقتصادی و رفاهی و حقوق جمعی تعریف شده که این هنجارها ماهیت و ستفالیاتی دولت را به شدت متاثر نموده و با محوریت بخشیدن به شهروندان ذی‌حق، دولتی تکلیف‌مدار موسوم به «دولت حق‌بنیاد» را بنیان نهاده (بالوی و بیات، ۱۳۹۶: ۴۲۶)؛ (Baloy&Bayat, 2016:426) و همین دولت حق‌بنیاد تحت تاثیر

¹. Internationalization

². Globalization

ملزومات عصر جهانی شده؛ ناگزیر از شناسایی شهروندان جهانی و استقرار نظام حکمرانی مطلوب برای تضمین جهان‌شمولی هنجارهای حقوق بشری شده است.

۳- تاریخچه

ایده یکپارچگی سیاسی جهان تحت عناوین مختلف در طول تاریخ مطرح بوده که از جمله می‌توان به طرح تشکیل امپراطوری جهانی تحت حاکمیت کلیسای واحد در اندیشه‌های آکویناس در قرون وسطی؛ شکل‌گیری معموره ارض یا امم فاضله متشکل از همه انسان‌ها و اجتماعات روی زمین در دیدگاه‌های اسلام‌گرایان فارابی و ملاصدرا با رویکردهای کمال‌گرایی و برای تحقق خیر عمومی بشر (رحمت‌الهی و شیرزاد، ۱۳۹۸: ۵۶ و ۷۸). (Rahmatolahi & Shirzad, 2019: 56, 78). اعتقاد گروسوس به لزوم شکل‌گیری دولت جهانی برای اجرای حقوق بین‌الملل، تاسیس جنبش جهانی فدرالیست در سال ۱۹۴۷، فعالیت کمیته تنظیم قانون اساسی جهانی در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۱ با پشتیبانی دانشگاه شیکاگو، حمایت انجمن مطالعات بین‌المللی ISA از تقویت سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌دولتی. به سمت «یک حکومت جهانی»، راهکار کانت به‌عنوان یک اندیشمند شهیر حقوق بشری برای صلح دائمی بین دولت‌های متمایز از طریق تشکیل فدراسیون و جمهوری جهانی (Du Ford, 2017) طرفداری انیشتین، هاجینز، راسل از ایده دولت جهانی فوری البته نه برای تحقق آرمان‌های بشری بلکه فقط برای جلوگیری از جنگ جهانی سوم (Weiss, 2009: 254) ایجاد وحدت جهانی پساوستفالن تحت تأثیر فزاینده نیروهای اجتماعی فراملی به‌زعم سینگر و ایده طرفداران دولت جهانی برای رفع «مشکل اقدام جمعی» در بسیاری از بحران‌های جهانی اشاره کرد (Craig, 2008: 135).

۴- قابلیت‌های دولت جهانی در اجرای حداکثری نسل‌های حقوق بشری

۴-۱- قابلیت‌های دولت جهانی در اجرای حداکثری نسل اول حقوق بشر

نسل اول حقوق بشر یا همان حقوق مدنی و سیاسی فهرست نسبتاً طولانی از حق‌ها و آزادی‌هاست که به‌نحوی با حق تعیین سرنوشت پیوند داشته و منتج از خودفرمانی اخلاقی انسان است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۶: ۲۷)؛ (Qari Seyyed Fatemi, 2016: 27). این نسل از حقوق بشر از این جهت که غالباً به‌صرف عدم مداخله دولت در آزادی‌های فردی تحقق می‌یابند، تحت عنوان حقوق بشر منفی نیز شهرت یافته‌اند. حق حیات، منع شکنجه و مجازات بی‌رحمانه، حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی، آزادی بیان و مذهب، حقوق اقلیت‌ها از اهم حق‌های نسل اول به‌شمار می‌روند که قابلیت‌های دولت جهانی برای اجرای حداکثری هر یک از این حقوق به تفکیک ارائه می‌گردد:

۴-۱-۱- حق حیات

حق حیات، زیربنایی‌ترین و بنیادی‌ترین حق بشری بوده که بهره‌مندی انسان از سایر حقوقش

نیز مترتب بر حفظ این حق است. در طول تاریخ و جنگ‌های متمدنی بشری این حق به‌خاطر خط‌کشی‌های مصنوعی جغرافیایی و تقسیم ایدئولوژیک جهان و نقض وحدت انسانی قربانی شده است. توسعه‌طلبی‌ها، منازعات مرزی و برتری‌طلبی‌های قومی، مذهبی و.. توجیهی برای آغاز جنگ‌ها، نسل‌زدایی، کشتار جمعی، اعدام و.. و نهایتاً سلب حق حیات انسان‌ها شده است. این جنایات حقوق بشری که عمدتاً منع آن به عنوان یک قاعده آمره در حقوق بین‌الملل نیز پذیرفته شده با سلب حیات از افراد و غالباً از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی مغایر با اساسی‌ترین حق بشری یعنی حق حیات بوده و نقض آن، نفی مبنا و زیربنای حقوق بشر می‌باشد. (بی پروا، ۱۳۹۶: ۱۲۵-۱۲۲)؛ (Biparva, 2016: 122-125).

دولت فراگیر سیاسی حق‌بنیاد ذاتاً ضد منطق توجیهی برای این‌گونه سلب حیات‌هاست. برچیده شدن ابزار ضد وحدت انسانی و پایان دادن به مرزهای جغرافیایی و ایدئولوژیکی و فاصله‌های ساختگی بین انسانی از مهم‌ترین خصائص نسخه دولت جهانی حق‌بنیاد است. این دولت می‌تواند با اجرایی کردن طرح وحدت انسانی تحت عقل؛ حفظ منافع تمامی انسان‌ها، پاسداری از حق حیات بشریت را محقق و صلح جاوید را مستقر کند.

۴-۱-۲- منع شکنجه، مجازات و رفتارهای غیرانسانی

شکنجه، مجازات و رفتارهای غیرانسانی عمدتاً منتج از دو رویه است: یا حاصل خودسری حکومت‌ها و افراد وابسته به ارکان حاکمیتی است یا هنجارهای به‌ظاهر حقوقی و کیفری که آن هم ابزاری در دست حکومت‌ها برای پیشبرد و حفظ منافع حاکمین است. حق انسان بر منع شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه متقابلاً تعهد دولت‌ها را آن‌هم به‌صورت تعهدی فوری در پی دارد و علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه در این رابطه باز هم بعضاً حکومت‌های ملی به‌جهت ضعف نظارت‌های بین‌الملل از اجرای این تعهد سرباز زده‌اند. دولت جهانی به‌دلیل اینکه در بدو شکل‌گیری حقوق تمامی اتباع اعم از افراد و دولت‌ها را مورد شناسایی قرار داده (ویژگی هگلی دولت جهانی) (ونت و سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۱۹-۱۰۹). (Wendt & Salimi, 2021: 109-119) و با رویکرد حق‌مدار و حقوق بشری که دارد، هر گونه استفاده ابزاری از انسان را منع و نظام اخلاقی خود را بر قواعد فراگیر و جهان‌شمول با حفظ کامل کرامت انسانی بنا می‌نهد. دولت جهانی حق‌بنیاد در صورت‌های رقیق (صرفاً حکمرانی جهانی) و یا در حالت نرم و در کنار دولت‌های ملی مجوز مداخلات حقوق بشری را به سهولت داشته ولی ضمانت اجرای آن متکی بر استفاده مشروع از زور (ویژگی ویری دولت جهانی) است که به نظر بیشتر در حالت دولت جهانی بی‌رقیب بروز پیدا خواهد کرد.

۴-۱-۳- حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی

بر اساس برخی تحلیل‌ها آینده حکمرانی جهانی عمدتاً توسط پنج عامل توانمندسازی فردی، افزایش آگاهی از امنیت انسانی، پیچیدگی نهادی، تغییر قدرت بین‌المللی و پارادایم سیاسی لیبرال

جهان شکل می‌گیرد و با توجه به افزایش چشمگیر توانایی افراد در جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و طرح‌ریزی سیاسی، روند توانمندسازی فردی به‌طور منطقی راه وسیع‌تری را به‌سوی حکومت جهانی مشارکتی هموار کرده است (Jang et.al., 2016: 9) افراد به‌عنوان سهام‌دار و کنش‌گران اصلی در حکومت جهانی بیشترین نقش را ایفا و بر همین اساس برخی از دولت جهانی خصوصی (غیر دولتی) نیز یاد کرده‌اند. در فضای حاکمیت‌های ملی حق تعیین سرنوشت تا آنجایی معتبر است که درون‌حاکمیتی و وفق سیاست‌ها باشد در غیر این صورت عمدتاً مشمول سیاست‌های کیفری شده و دامنه مجاز مشارکت سیاسی نیز صرفاً تاحدی مطلوب انگاشته می‌شود که بر له حاکمیت باشد نه بر علیه آن؛ لذا دولت جهانی به‌دلیل فضای باز سیاسی و غیرایدئولوژیک و فراگیر بودن، توانایی جذب بیشترین مشارکت را براساس حق تعیین سرنوشت دارد. که خود ضمانتی برای اجرای حداکثری حقوق بشر خواهد بود همچنان که در حوزه حکمرانی جهانی مشارکت چشمگیر دولتها در مکانیسم ارزیابی ادواری جهانی شورای حقوق بشر، موجب احترام بیشتر به حقوق بشر، حمایت‌های قانونی از آن، نظارت موثرتر و نهایتاً ارتقای همکاری‌های بین‌المللی برای ارزیابی مسائل حقوق بشری شده است (حبیبی و همت، ۱۳۹۷: ۱۸۴)؛ (Habibi & Hammet, 2018: 184).

۴-۱-۴- آزادی بیان و عقیده

حق آزادی بیان، حق «هر انسان» است به‌اینکه «اطلاعات» و «نظرهای» خود را با «هر ابزاری» و حتی «در ورای مرزهای ملی» ابراز کند (سودمندی عبدالمجید، ۱۳۹۵: ۹) (Sudmandi Abdul, 2015: 9). Majid ذکر آزادی بیان و آزادی عقیده در عداد حقوق منفی بیانگر این است که برای تحقق مطلوب این حقوق بایست دولت به‌عنوان یک شر ضروری، حداقلی باشد و وجود دولت حداکثری به‌مفهوم خدشه به اساس و پایه مفهومی این حق انسانی است. دولت جهانی به‌عنوان یک دولت ذاتاً حداقلی و با کارکردهای صرفاً ضروری می‌تواند با برچیدن یا محدود کردن دامنه دخالتی دولت‌های متکثر این جنبه لازم از حقوق منفی را ایجاد نموده، هم‌چنین با ایجاد بازار جهانی عقائد، عرصه را برای ارائه‌ی همه آن‌چه همگان فکر می‌کنند فراهم دارد و با رفع کلیه محدودیت‌های اعمالی بر آزادی بیان و با رفع سانسورهای مبتنی بر حفظ حاکمیت‌های ملی و مسدود کردن سیاست‌های رسانه‌ای برای تخدیش یا جهت‌دادن به دریافت یا ارائه اطلاعات، آزادی بیان را در معنای واقعی و نه به‌صورت شکلی و نمایشی پیاده سازد.

۴-۱-۵- آزادی مذهب

طیف قابل توجهی از نحله‌های فرهنگی و مذهبی ذاتاً ناسازگار با رویه‌های جهانی‌گرایی هستند چرا که حیات آن‌ها در ایجاد و استمرار جدایی ایدئولوژیک بین انسان‌هاست و دولت جهانی به‌شدت موجودیت و بقای این گروه‌ها را با خطر مواجه خواهد کرد (Walzer, 2004: 172) بسیاری از دولت - کشورها نیز عملاً به یک ایدئولوژی خاص عقیدتی و سیاسی وابستگی داشته و در حوزه آزادی مذهب و عقیده دچار محدودیت هستند. البته حکومت جهانی ممکن است آن‌قدر قوی و

فراگیر باشد که تأثیری همگن ایجاد کرده و فرهنگ‌ها و جوامع متمایز را که ذاتاً ارزشمند هستند، محو کند یا حق بر انتخاب مذهب را محدود کند و همین موضوع پلورالیست‌های سیاسی لیبرال را نگران کرده (Muñiz & Fraticelli, 2014: 1) ولی این دغدغه نیز با رویه کثرت‌گرایی اجتماعی و مذهبی دولت جهانی قابل تأمین است. همچنان‌که جهان‌شمولی وابسته به شناخت و تثبیت خاص‌گرایی عنوان شده است (ونت و سلیمی، ۱۴۰۰: ۱۱۹)؛ (Wendt & Salimi, 2021: 119). دولت جهانی با اذعان به حق آزادی مذهب و عقیده، پایانی بر تقسیمات ایدئولوژیک و مذهبی بوده و درگیری‌های خشونت‌آمیز و جنایات ضد حقوق بشری تحت لوای مذهب یا ایدئولوژی خاص را مردود کرده و با ایجاد برابری و برابری مذهبی، ترویج اخلاق حسنه و مقبول عام، کثرت‌گرایی را ترویج و مانع از انحرافات ضد حقوق بشری به بهانه عقیده و یا مذهب می‌شود.

۴-۱-۶- حقوق اقلیت‌ها

شهروند جهانی (انسان استعلایی) یک انسان به ما هو انسان با ویژگی‌های فراجغرافیایی، فراسیاسی، فرادینی، فرانژادی و... است. در پرتو این تحلیل، دیگر اقلیت و اکثریت‌پنداری محلی از اعراب نداشته و هیچ تبعیض و تفاوت‌انگاری بر این پایه نیز موجه نیست. هر فرد به‌عنوان یک شخص جهانی شناسایی و به‌صورت برابر مورد شناخت و احترام خواهد بود. عمده نقض‌های حقوق بنیادین بشری مبتنی بر تبعیضی است که از وابستگی‌های جغرافیایی و نژادی، دینی، رنگی و... نشأت یافته و برابری و وحدت انسان‌ها را در فهم‌ها خدشه‌دار کرده است. در واقع یک دولت فراگیر با شناسایی همه جهانیان به‌عنوان شهروندان جهانی این ظرفیت را در خود دارد که شان و منزلت انسانی را فارغ از مسائل تبعیض‌آمیز و وابستگی‌های تبعی آن تضمین کرده و خط بطلانی بر تقسیم بشریت تحت هر عنوان و دسته باشد.

۴-۲- قابلیت‌های دولت جهانی در تضمین اجرای حداکثری نسل دوم حقوق بشر

نسل دوم حقوق بشر یا همان حق‌های رفاهی در واقع مجموعه‌ای از تضمینات و امتیازاتی است که به‌منظور رفع بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اجتماع برای فرد شناسایی شده و از طرف دولت مورد تأمین قرار می‌گیرد. حقوق رفاهی، ناشی از مطالبه مواهب زندگی بوده و رفاه را تا پوشش همه نیازها و استعدادها گسترش می‌دهد. جهانی‌شدن با محتوای غالباً اقتصادی در شرایط کنونی و با پیشرانی کشورهای ثروتمند به‌خودی خود موجب نابرابری اقتصادی به‌نفع کشورهای پیشرو و دارا شده و در وهله‌ی اول حقوق اقتصادی بشر را نقض کرده است. لذا برای تأمین هرچه بهتر حقوق اقتصادی بشر به‌نظر می‌رسد یک دولت فراگیر می‌تواند فرایند جهانی‌شدن را حقوق بشری کرده و با بازتوزیع ثروت به‌نفع کشورهای فقیر، حداقل‌های معیشتی و... را تأمین و عدالت و برابری را به‌عنوان مفاهیم پایه در حقوق بشرنمایان سازد. محتوای حق‌های رفاهی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر عمدتاً در سه محور حداقل‌های معیشتی، بهداشتی و تأمین اجتماعی، آموزشی

خلاصه شده و بر همین اساس ما قابلیت‌های دولت جهانی را برای اجرای هر چه بهتر این حقوق مورد بحث قرار می‌دهیم.

۴-۲-۱- حداقل‌های معیشتی (غذا، مسکن، لباس، ارزش حیات)

حق بهره‌مندی از امکانات کافی معیشتی جلوه‌ای از حق بر حیات انسانی و لازمه حفظ شان و کرامت بشر است. امروزه میلیون‌ها انسان در سراسر جهان از فقر و گرسنگی رنج برده و روزانه تعداد قابل توجهی از انسان‌ها بالاخص کودکان بر اثر فقر و سوء تغذیه جان خود را از دست می‌دهند. از سوی دیگر جلوه بارز در کشورهای توسعه یافته انباشت ثروت، ازدیاد رفاه، وفور غذا و امکانات معیشتی است. اگر حق بر حداقل‌های معیشتی را حق ادعای فقیران جهان بدانیم، در سمت مقابل تکلیف و مسئولیت اغنیا (اعم از افراد و کشورها) به ذهن متبادر می‌گردد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۶: ۲۲۴-۲۲۷)؛ (Qari Seyed Fatemi, 2016: 224-227). در دولت جهانی حق بنیاد، امکانات رفاهی، همگانی تلقی شده و فقر در یک جغرافیای معین، معضل جهانی (نه مشکل دولت ملی) فرض می‌شود که بایست با امکانات جهانی درصدد رفع آن تلاش کرد. توزیع رفاه در میان مردم جهان و فقرزدایی یکی از آرمان‌های بشری بوده که دولت جهانی به دلیل خصیصه فراملی بودن و دسترسی به ثروت‌های جهان و بهره‌گیری از امکان سرشکن کردن قله‌های ثروت به نفع گسل‌های فقر در جهان می‌تواند بشر را از حقوق رفاهی خود برای یک زندگی رضایت‌بخش بهره‌مند سازد.

۴-۲-۲- حداقل‌های درمانی، بهداشتی، سلامتی و تامین اجتماعی

لازمه زندگی اجتماعی و بهره‌مندی بشر از مواهب حیاتش، بر خورداری از حداقل‌های درمانی، بهداشتی و تامین اجتماعی است. گستره وسیع مصداقی برای این حق و تهدیدات روزافزون سلامتی و بهداشتی در سطح جهان موجب شده که در شرایط فعلی نیز دولت‌ها جز در قالب همکاری‌های بین‌المللی نتوانند این حق را برای مردمان‌شان به صورت کامل پوشش دهند. هم‌چنان که اصل همکاری بین کشورها در مواد مختلف منشور ملل متحد مورد تاکید قرار گرفته و سند ۲۰۳۰ یونسکو مسئولیت تمامی دولت‌ها جهت تضمین این حق برای شهروندان را مورد شناسایی قرار داده است. (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳)؛ (Bagheri et al., 2017: 23) در حوزه حق بر تامین اجتماعی نیز بایست اذعان کرد که این حق جمعی ملت‌ها نسبت به توسعه است که افزون بر تعهد دولت‌های متبوع، حمایت جدی دیگر اعضای جامعه ملل را لازم دارد. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۶: ۲۴۳)؛ (Qari Seyed Fatemi, 2016: 243) با لحاظ ناکارآمدی حاکمیت‌های ملی برای رفع آسیب‌های فوق در حوزه سلامت، بهداشت و تامین اجتماعی و حتی اختلال آشکار در نهادها و فرایندهای حکمرانی جهانی در بحران کووید ۱۹ (Levy, 2021: 565) به نظر می‌رسد کاستن از عوامل تهدیدزای سلامت در کل جهان، ایجاد امکانات همگانی برای درمان، جدا کردن مقوله سلامت از تجارت نفع طلبانه، ایجاد سیستم سلامت برای همگان، تامین اجتماعی افراد بدون قشربندی‌های غیرانسانی از جمله قابلیت‌های دولت جهانی جهت اجرای حداکثری این حق خواهد بود.

۴-۳- حق بر آموزش و پرورش و آزادی در آموزش

حق بر آموزش سازنده فهم و درک انسانی و مجرای تحقق دیگر حقوق بشر از جمله آزادی اندیشه، بیان، مذهب و... است. ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اذعان می‌دارد که «آموزش و پرورش بایست انسان‌ها را برای ایفای نقش مفید در جامعه آزاد مهیا ساخته و موجبات تفاهم، تساهل و دوستی بین کلیه ملل و تمامی گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد در خصوص صلح را تشویق نماید».

حق آموزش بایست همراه با الزامات حقوق بشری باشد در غیر این صورت ممکن است توأم با آموزش‌های تفرآمیز، خشونت‌آفرین، رفتار ضدحقوق انسان‌های دیگر و... گردد. در دنیای کنونی ساختارهای آموزشی در برخی از حاکمیت‌های ملی ضد الزامات حقوق بشری و تبعیض‌آمیز بوده و مملو از تمایز، محدودیت و محرومیت به‌خاطر جنسیت، رنگ، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی و... است. آزادی آموزشی در این نوع حاکمیت‌ها به‌شدت مخدوش بوده و نه تنها موجب تفاهم و دوستی بین ملت‌ها نشده بلکه باعث تضعیف همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها در کنار یکدیگر می‌گردد. بر همین مبنا می‌توان ادعا کرد دولت جهانی بیش‌ترین توانایی برای عینیت‌سازی شعار آموزش و پرورش برای همه را داراست. در این دولت فراگیر اولاً با رفع تمایزها، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تحصیلی، آزادی آموزشی در دستور کار بوده و همه اقلیت‌ها و فرهنگ‌های متنوع از این حق برای ارائه محتوای خود بهره‌مند خواهند بود و ثانیاً آموزش و پرورش حداکثری و با کیفیت یکسان در سراسر جهان برای همه افراد به‌عنوان شهروندان جهانی دنبال شده و ابزارهای لازم برای این توسعه انسانی به‌صورت برابر توزیع می‌گردد و ثالثاً حقوق بشر و خردورزی را در صدر آموزش‌ها قرار می‌دهد تا ذهن شهروندان جهانی عاری از تعصب، تبعیض و خشونت شده و صلح، انسان‌دوستی و مدارا مورد ترویج قرار گیرد و بر همین اساس مبنای جنگ‌ها و دیگرستیزی‌ها در ذهن ابنای بشر شکل نمی‌گیرد.

۴-۳- قابلیت‌های دولت جهانی در اجرای حداکثری نسل سوم حقوق بشر

کشف نسل سوم برای حقوق بشر با محتوای حق‌های جمعی - همبستگی خود موید احساس نیاز بشر به باهم بودن، باهم دیده شدن، براساس یک سری نیازهای مشترک بشری است که حکم‌رانی جهانی می‌تواند بهترین پوشش برای تحقق این نسل از حقوق بشر باشد هم‌چنان که واساک نسل سوم حقوق بشر را پاسخی به پدیده همبستگی متقابل جهانی بر شمرده است. (صلح‌چی، در گاهی ۱۳۹۲: ۴)؛ (Soleh Chi & Dargahi, 2012: 4) حقوق بشر نسل سوم شامل حق بر تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی، حق بر توسعه، حق کسب منفعت از میراث عمومی بشر، حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم و حق نجات بشر دوستانه از بلایا دانسته شده است که در این مبحث ما بر

اساس مصادیق فوق قابلیت‌های دولت جهانی در رابطه با اجرای حداکثری نسل سوم حقوق بشر را تحلیل و بررسی خواهیم نمود:

۴-۳-۱- حق بر صلح

صلح به‌عنوان والاترین خیر سیاسی در قالب روابط متقابل و مبتنی بر همکاری اعضای جامعه بین‌المللی تعریف شده است (نژندی‌منش و دانشفر، ۱۳۹۹: ۱۱۹)؛ (Najandimanesh & Daneshfar, 2020: 119) در جامعه آرمانی کانت یعنی جامعه مشترک‌المنافع اخلاقی لازمه‌ی صلح پایدار رعایت کامل حقوق بشر بوده و در پناه صلح دائم نیز ارزش‌های حقوق بشری تحقق‌ی همه‌جانبه پیدا خواهند کرد. بر این اساس می‌توان گفت حقوق بشر و صلح، تاثیرگذاری و وابستگی متقابلی با یکدیگر دارند. آنچه امروزه بیش‌ترین چالش را فراروی این دو مهم قراردادده در حوزه‌های تعارضات داخلی رفتار نابرابر و غیرمنصفانه حاکمیت‌های ملی با مردم سرزمین‌شان و در جامعه بین‌المللی نیز رویکرد هابزی جنگ همه علیه همه و یک باور متقابل مبنی بر دشمن بودن دیگران است که جنگ و مسابقه تسلیحاتی کشورها را موجب گردیده است. (طلایی و پورسعید، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲)؛ (Talaei & Poursaid, 2013: 31-32).

بیشرفت‌های حاصله در عصر جهانی شدن نسبت به دوران گذشته نیز مرهون کم‌رنگ شدن حاکمیت‌های ملی در سایه نهادهای فراملی اعمال‌کننده حکمرانی جهانی مانند سازمان ملل متحد و شورای امنیت و... است. اگرچه این نهادها نیز نتوانستند پاسخ شایسته‌ای برای جامعه بشری و نیازهای امنیتی دولت‌ها فراهم آورند و اعضای شورای امنیت غالباً منافع دولتی خود را بر منافع انسانی و هنجارهای حقوق بشری ترجیح داده‌اند. (عاکفی قاضیانی و عاکفی قاضیانی، ۱۳۹۹: ۲)؛ (AkafiGhaziani Mo & AkafiGhaziani, 2020: 2) از همین رو نیاز بیش از پیش به حکمرانی فراگیر جهانی با استفاده انحصاری از زور مشروع (دولت‌هگلی) احساس می‌شود هم‌چنان‌که انیشتین ایجاد یک حکومت جهانی را پیشنهاد کرده بود تا تعارضات بین‌ملت‌ها با تصمیمات قضایی این دولت و آن هم بر اساس قانون اساسی مشخص حل گردد و تنها سلاح‌های تهاجمی نیز در اختیار این دولت قرار گیرد (Nathan & Norden 1960: 132) یا فدرالیست‌های جهانی متحد (UWF) نیز خواستار تبدیل سازمان ملل متحد به یک فدراسیون جهانی از دولت‌ها با اختیارات کنترل تسلیحات شدند تا صلح جهانی تنها از طریق استقرار قوانین جهانی حاصل شود.

حق بشر نسبت به صلح علیرغم این که یک حق مقدس و جهانی است فاقد ضمانت اجرایی تعریف شده در نظامات داخلی و بین‌المللی است و به‌نظر می‌رسد تنها با شکل‌گیری یک دولت واحد فراگیر فلسفه جنگ‌های سرزمینی، مخاصمات مسلحانه داخلی برای کسب قدرت یا مخاصمات مسلحانه بین‌المللی برای توسعه یا غلبه قدرت، تولید و انباشت سلاح، جدایی‌طلبی و اقلیت‌انگاری‌ها و.. که عمدتاً مبتنی بر تنازعات مرزی و جغرافیایی است، لغو و با تحقق وضعیت

نهایی و غایت‌آناارشی موجود و پیدایش ناظم جهانی برای حفظ تعادل نیروهای سیستمی، صلح پایدار همگانی پدیدار و زیست جمعی بر پایه خیر عمومی مشترک ممکن می‌گردد.

۴-۳-۲- حق بر توسعه

در مقدمه اعلامیه حق بر توسعه و هم‌چنین ماده یک آن آمده است که توسعه یک فرایند فراگیر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مستمر رفاه کل انسان‌ها بر مبنای مشارکت فعالانه و آزادانه ایشان است. در این اعلامیه هدف از این حق جلب رضایت کامل انسان‌ها (انسان به‌عنوان موضوع مرکزی و اصلی فرایند توسعه) از زندگی خود عنوان و تاکید شده است که بین خلع سلاح عمومی و توسعه رابطه‌ای نزدیک وجود داشته و صلح و امنیت بین‌المللی از عناصر ضروری تحقق توسعه هستند. (ماده ۷) در بند ۳ ماده ۳ این اعلامیه نیز کشورها موظف به همکاری بر مبنای برادری، منافع مشترک و وابستگی متقابل برای تضمین توسعه و حذف موانع آن شده‌اند. در ماده ۵ این اعلامیه رفع شرایطی مانند جدایی نژادی، نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمارگری، سلطه و اشغال‌گری خارجی، تجاوز، مداخله و تهدیدها علیه حاکمیت ملی، تهدیدهای جنگ و... پیش‌نیاز توسعه قلمداد گردیده است.

با لحاظ مفاد فوق مبرهن است که تنها یک دولت فراگیر همه‌شمول می‌تواند حق توسعه برای همگان را فراهم آورد چرا که تا وقتی حاکمیت‌های ملی و مرزهای بین‌کشوری رسمیت داشته باشند، علی‌الاصول جدایی نژادی، نژادپرستی و تبعیضات پیرامونی آن جریان داشته و همیشه احتمال تجاوز، مداخله، اشغال‌گری، جنگ و... به‌دلیل رقابت و تضاد منافع کشورها وجود داشته و مانع جدی برای اجرای این حق خواهد بود. به‌همین علت هیچ‌وقت جهان عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در ذیل حاکمیت‌های ملی محقق نشده و حق توسعه مردمان نیز از پی آن رخ نموده است. مقاومت کشورهای توسعه‌یافته برای تسری ندادن مبانی و لوازم توسعه به کشورهای توسعه‌نیافته و حتی تلقی نکردن توسعه به‌عنوان یک حق بشری از جانب این کشورها و نبود یک نگاه جامع به انسان و جهان به‌عنوان چالش در این حوزه (فیروزی، ۱۳۹۶: ۳)؛ (Firouzi, 2016: 3). خود گواه این است که حاکمیت‌های ملی جدی‌ترین مانع برای توسعه همگانی برای همه انسان‌ها هستند.

۴-۳-۳- حق بر محیط زیست ایمن

محیط زیست یکی از جنبه‌های اقتصاد جهانی و فراسوی ملزومات دولت-ملتی تعبیر شده (پرنده مطلق و دیگران، ۱۴۰۰: ۹)؛ (Parande Motlagh et al., 2021: 9) و در همین راستا حق بر محیط زیست ایمن پیش‌نیاز تداوم حیات کنونی نسل بشر و ضامن کیفیت زندگی دانسته شده است و شناسایی آن به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق همبستگی آن را یک حق همگانی معرفی می‌کند که تعهد به اجرای این حق نیز تکلیفی عام و جهانی می‌باشد. وجود سیصد معاهده چندجانبه و هزار معاهده دوجانبه بین کشورها در رابطه با حفظ و حمایت از محیط زیست موید این است که تضمین کامل

این حق راه‌حلی فراملی دارد. «گسترش همکاری‌های بین‌المللی و گذر از همکاری به همبستگی، راه‌حلی جهان‌شمول برای حفظ محیط زیست را هموار می‌سازد و از این رهگذر محیط زیستی سالم و مناسب برای فعالیت‌های انسانی و سعادت بشری تضمین و زمینه استیفای واقعی حقوق بشر را فراهم می‌کند» (واعظی و دیگران، ۱۳۹۵)؛ (Vaazi et.al., 2016) امروزه راهبرد حفاظت از جهان و مراقبت از زمین برای یک زندگی سالم و مستمر جز در سایه یک اتحاد جهانی و یک واحد اجرایی و تقنینی میسر نخواهد بود و در غیر این صورت رقابت کشورها برای توسعه، صنعتی شدن، استفاده ناصحیح از منابع طبیعی و... براساس خودخواهی‌های ملی می‌تواند منجر به فاجعه زیست‌محیطی جهانی گردد.

۴-۳-۴- حق بر میراث مشترک بشریت

دایره مصداقی میراث مشترک بشریت شامل اعماق دریاها و اقیانوس‌ها واقع در ماورای محدوده ملی، فضای ماورای جو، قطب جنوب و مانند آن می‌باشد که این میراث متعلق به همه بوده و قابلیت تملک از طرف دولت ملی را ندارد و بهره‌مندی از آن نیز بایست منصفانه و به نفع همه بشریت باشد. برخی مشترکات جهانی مانند ارزش‌های فرهنگی، ژنوم انسانی، محیط زیست، آب و هوا و... نیز در حوزه شمولیت این حق قرار گرفته‌اند که البته متفاوت از بخش اول بوده و بیشتر جنبه حفاظت از آن‌ها مطرح می‌باشد که برخی تحت عنوان «نگرانی مشترک بشریت» از آن یاد کرده‌اند (حبیب‌زاده و منصور، ۱۳۹۳: ۲۴)؛ (Habibzadeh & Mansouri, 2013: 24). همانطور که وارث‌توسا میراث مشترک بشریت را با توجه به سه عامل «دارایی مشترک» «مدیریت و اداره مشترک» «توزیع متساوی و عادلانه منافع» تحلیل کرده میراث مشترک بشری به دلیل همین ویژگی‌ها خارج از صلاحیت دولت‌های ملی بوده و بهره‌گیری از آن لزوماً بایست در یک ساختار فراملی با صلاحیت جهانی دنبال شود. دولت جهانی به دلیل حکم‌رانی یکپارچه و فراگیر از بالاترین ضمانت اجرا برای مدیریت و اداره واحد و مطلوب این دارایی مشترک و توزیع برابر و عادلانه این ثروت همگانی برخوردار است.

۴-۳-۵- حق بر ارتباطات

نیاز بشر برای ارتباط برقرار کردن (حق هر فرد یا گروه برای بیان کردن و شنیده شدن) خاستگاه این حق بوده و می‌توان اعتراض کشورهای در حال توسعه به نامتعادل بودن جریان اطلاعات (نقش‌آفرینی در تصمیمات) و نابرابری جهانی ارتباطات میان کشورهای بزرگ و کشورهای جهان سوم را زمینه اعلامی آن دانست. به‌طور کلی حقوق ارتباطی در تضاد با نابرابری‌های موجود در جامعه جهانی پیرامون دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها می‌باشد. در فضای نابرابر فعلی گروه‌های خاص مانند دولت‌ها، مالکان رسانه‌ها و گروه‌های قدرتمند و... نسبت به سایرین به وسایل ارتباطی دسترسی بیشتر و آزادتری داشته و با تحمیل عقاید خود به ملت‌ها، جامعه‌ای نابرابر و متفاوت در مولفه‌های قدرت ایجاد می‌کنند که پیامد آن نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف است. دولت جهانی

حق‌بنیاد به دلیل این که فی‌نفسه از نابرابری‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای نفعی نمی‌برد، ذاتاً در حوزه ارتباطات برابری طلب بوده و این امکان را در خدمت حقوق بشر و نه ایزاری برای مصادره به مطلوب آن می‌پندارد. در دولت جهانی ارتباطات انسانی، افقی (نه عمودی و تحکمی)، تعاملی، متنوع و با لحاظ تنوع فرهنگی (بدون ارجحیت یکی بر دیگری) دنبال می‌شود و کنترل دولتی بر این حوزه جهت محدودسازی فکری و اندیشه‌ای اعمال نمی‌گردد.

۴-۳-۶- حق بر رهایی بشردوستانه از بلایا

حق بردریافت کمک‌های بشردوستانه در برابر بلایای طبیعی و زیست محیطی (سیل و زلزله و...) یا غیرطبیعی (مخاصمات بین‌المللی، خشونت‌های داخلی و...) یک حق بشری منشعب از همبستگی است. مکلف ادای این حق دولت آسیب دیده، دیگر دولت‌ها و به عبارتی جامعه جهانی است و کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن بر همین امر تاکید دارند (راسخ و عامری، ۱۳۹۲: ۱۰)؛ (Rasakh & Ameri, 2013: 10). با استقرار دولت جهانی و رد هرگونه مخاصمه و برتری‌انگاری نژادی و قومی، امکانات همگانی برای کمک به مردم آسیب دیده بسیج شده و سواستفاده‌های سیاسی از این عرصه حذف خواهند شد. در این دولت فراگیر، مرزها مانعی برای این امدادسانی جهانی نبوده و تفاوتی بین مردم دچار آسیب در جای‌جای زمین وجود ندارد. رسالت دولت جهانی در برابر این اضطرار و تهدید جمعیتی، کاهش تبعات مالی و جانی با تضمین فوری حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه است.

نتیجه‌گیری

در نظم آنارشیک دولت-ملت کنونی و به دلیل نبود ناظم برتر و صاحب قدرت تعادل بخشی، نابرابری‌های ساختاری مداوم و فراگیر در سطح جهانی (اعم از داخلی و بین‌المللی)، اجرای حقوق بشر حداکثری با مشکل مواجه بوده است. طرفداران حکومت جهانی دلایل مشخصی برای ضرورت و اجتناب‌ناپذیری استقرار سازمان سیاسی واحد در جهان ارائه کرده‌اند از جمله این که دولت جهانی غایت آنارشی موجود و تبیینی برای آینده دولت‌ها و پله‌نهایی جهان‌بودگی موضوعات از جمله دولت می‌باشد. از نظر عملکردی دولت جهانی به جهت استفاده انحصاری و مشروع از زور (دولت وبری) شناسایی متقابل تمامی کنشگران (دولت‌هنگلی) کنترل منازعات و هماهنگی بین کشوری (دولت کانتی) راه‌حل قطعی برای مشکلات بشری مانند جنگ و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی، فقر و نابرابری جهانی، بیماری‌های همه‌گیر، تخریب محیط زیست و ... است.

فارغ از مباحثات و تعارضات فکری پیرامون ایده دولت جهانی اعم از امکان‌پذیر بودن یا نبودن و... ما فرایند اپیژنتیک (پیدایش تدریجی) و تحقق سطحی از یک دولت یکپارچه یا حکم‌رانی جهانی مشارکتی برای نیل به آرمان‌های عالی حقوق بشری را فرض خود برای تحلیل قابلیت‌ها و جذابیت‌های حقوق بشری آن در نظر گرفته‌ایم. شکل مطلوب از حکومت فراگیر که ما آن را دولت

جهانی حق بنیاد می‌خوانیم می‌تواند با ایجاد همبستگی و شناسایی متقابل دولتی و انسانی، کثرت‌گرایی اجتماعی و مذهبی، حیات و امنیت انسان را همراه با حفظ آزادی فردی تضمین کرده و کیفیت شهروندی در جامعه جهانی را با استقرار سیستم امنیت دسته‌جمعی ارتقا بخشد. دولت جهانی ذاتا موجب فرسایش مفهوم و نقش سیاسی و خودخواهانه حاکمیت‌های ملی شده و حقوق نسل اول بشر را با رویکرد غالباً حق منفی تامین و با شناسایی و بسیج امکانات همگانی اقتصادی و توزیع متناسب ثروت‌های زمین مبتنی بر نیاز جهانیان (عدالت توزیعی جهانی) با رویکرد حق مثبت ضامن اجرای حداکثری حقوق نسل دوم بشری شده و به دلیل اینکه ماهیت جمع‌گرایی دارد با عینی کردن حق همبستگی و شناسایی ملزومات زیست جمعی انسان‌ها اجرای حقوق نسل سوم بشر را تضمین نماید و بر همین اساس فرضیه پژوهش در رابطه با اجرای حداکثری حقوق بشر در پرتو قابلیت‌های دولت جهانی به اثبات می‌رسد. ایجاد یک اقتدار سیاسی جهانی مشروع و در قالب هنجارهای حقوق بشری (اتحاد بشریت تحت یک قدرت سیاسی مشترک مقید) می‌تواند رهیافت اصلی حکومت جهانی حقوق بشر و جهان شمولی ارزشهای آن باشد. (حقوق بشر برای همه، در همه جا و همیشه عینی و محقق) البته نویسندگان معتقدند جدایت‌های دولت جهانی صرفاً معطوف به اجرای بهتر حقوق بشر نبوده بلکه دولت جهانی این قابلیت را دارد که ابعاد مفهومی حقوق بشر را نیز بسط دهد.

منابع فارسی

۱. باقری، ی.، ذاکریان، م.، بلوری، پ.، هرمیداس باوند، د. (۱۳۹۷). حق بر سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر با تاکید بر سند ۲۰۳۰ یونسکو. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۲(۴۶)، ۲۰۵-۱۷۷.
۲. بالوی، م.، بیات، م. (۱۳۹۶). دولت حق بنیاد (تحلیل معنا، تبیین معنا). انتشارات مجد.
۳. بی پروا، ا. (۱۳۹۶). نسل‌کشی، جنایتی علیه حقوق بشر، فصلنامه قضاوت، ۲۳(۹۱)، ۱۲۱-۱۲۴.
۴. پرنده مطلق، ا.، پورهایمی، ع.، شیرازیان، ش.، زارع، ع. (۱۴۰۰). اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست در نظام حقوقی ایران فرصت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۶۹)، ۱۲۱-۱۳۸.
۵. عاکفی قاضیانی، م.، عاکفی قاضیانی، م. (۱۳۹۹). عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد توسل به زور با تجویز شورای امنیت. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۶۵)، ۱۳۹-۱۱۵.
۵. حبیب‌زاده، ت.، منصور، ف. (۱۳۹۲). بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۳۸(۳)، ۱۲۰-۱۲۰.
۶. ذاکریان، م. (۱۳۹۳). جهانی شدن گفتگو و جهان‌شمولی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن ۵(۱۳)، ۵۰-۶۳.

۷. راسخ، م.، عامری، ف. (۱۳۹۲). رویکرد نظری به مفهوم حق نسل سوم. فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، ۱۰(۳۹)، ۱۶۸-۱۹۳.
۸. رحمت‌الهی، ح.، شیرزاد، ا. (۱۳۹۸). کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی. تهران: انتشارات مجده، چاپ دوم.
۹. سودمندی، ع. (۱۳۹۵). اجزای آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۸(۲)، ۸-۱۱۴.
۱۰. صلح‌چی، م.، درگاهی، ر. (۱۳۹۳). بررسی ماهیت حقوق همبستگی حقوق جمعی یا مردمی. پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴۱)، ۱۶۸-۱۴۴.
۱۱. طلائی، ف.، پورسعید، ف. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر. مجله حقوق بشر، ۸(۲-۱)، ۸۵-۱۲۲.
۱۲. فیروزی، م. (۱۳۹۶). موانع و چالش‌های حق بر توسعه. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۵(۳)، ۷۰-۹۴.
۱۳. قاری‌سیدفاطمی، م. (۱۳۹۶). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ پنجم.
۱۴. محمدی‌الموتی، م. (۱۳۸۵). مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرایند جهانی شدن. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۵. نژندی‌منش، ه.، دانشفر، پ. (۱۳۹۹). بررسی تحقق صلح کانتی در رهگذر حاکمیت بین‌المللی قانون. مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۱۴(۳۳)، ۱۱۸-۱۲۹.
۱۶. واعظی، ا.، حاتمی‌کیا، م.، فخری‌زاده، م. (۱۳۹۵). حق داشتن محیط زیست سالم و نسل سوم حقوق بشر. سومین کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
۱۷. ونت، ا.، سلیمی، ح. (۱۴۰۰). چرا دولت جهانی اجتناب‌ناپذیر است؟، تهران: نشر علمی.
۱۸. همت، م.، حبیبی‌اردکانی، ا. (۱۳۹۷). تأثیر ویژگی‌های آیین ارزیابی ادواری شورای حقوق بشر بر ارتقای احترام به حقوق بشر توسط دولت‌ها، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۹(۳۵)، ۱۶۳-۱۸۶.

English References

1. Craig, C. (2008). The Resurgent Idea of World Government. *June Ethics & International Affairs*, 22(2), 133-142, <https://doi.org/10.1111/j.1747-7093.2008.00139.x>.
2. Du For, R. (2017). Must a World Government Violate the Right to Exit?. *Ethics & Global Politics*. 10(1). 19-36. <https://doi.org/10.1080/16544951.2017.1311482>.
3. Fraticelli, M., Victor. M. (2014). *The Structure of Pluralism*. Oxford: Oxford University Press. <https://academic.oup.com/book/8249>.

4. Jang, J., McSparren, J., Rashchupkina, Y. (2016). *Global Governance: Present and Future* Palgrave Communications, 2(15045).
5. Lee, J. (2020). Paradox of Hierarchy and Conflicts of Values: International Law, Human Rights, and Global Governance, *Northwestern Journal of Human Rights*, 18(1).
6. Levy, D. (2021). COVID-19 and Global Governance. *Journal of Management Studies* 58:2 March <https://doi.org/10.1111/joms.12654>
7. Otto, N., Norden, H. (1960). *Einstein on Peace*. New York: Avenel.
8. Qandov, B., Alimukhammedova, N., Zamira, M. (2020). Human Rights are a Social Phenomenon: The Principles of Globalization and Personal Liberty. *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 24(1).
9. Shaw, M. (2000). *Theory of the Global State: Globality as Unfinished Revolution*, Cambridge: Cambridge University Press.
10. Tallberg, J., Zürn, M. (2019). The legitimacy and legitimation of international organizations: introduction and Framework. *The Review of International Organizations*, 14, 581–606, <https://doi.org/10.1007/s11558-018-9330-7>.
11. Tinnevelt, R. (2012). Federal World Government: The Road to Peace and Justice?, *Cooperation and Conflict*, 47(2), 220–238. <https://doi.org/10.1177/0010836712443173>.
12. Walzer, M. (2004). *Arguing About War*. New Haven: Yale University Press.
13. Weiss, T. (2009). What Happened to the Idea of World Government. *International Studies Quarterly*, 53(2), 253–271, <https://doi.org/10.1111/j.1468-2478.2009.00533.x>.
14. Wendt, A. (2003). Why a World State Is Inevitable. *European Journal of International Relations*, 9(4), 491–542. <https://doi.org/10.1177/135406610394001>.
15. Zürn, M. (2010). Global Governance as Multi-Level Governance. In: Enderlein, H. Wälti, S. Zürn, M. (eds) *Handbook on Multi-Level Governance*. Cheltenham: Edward Elgar, 80-99.

Translated References to English

1. Akfi Ghaziani, M., Akfi Ghaziani, M. (2019). The Performance of the United Nations Collective Security System Resorting to Force with the Prescription of the Security Council. *International Studies Quarterly*, 17(65), 115-139. **(In Persian)**

2. Bagheri, Y., Zakarian, M., Beluri, P., Hermidas Bavand, D. (2017). The Right to Health and Public Health from the Perspective of Fundamental Human Rights with Emphasis on the 2030 Document of UNESCO. *Medical Law Quarterly*. 12(46). 177-205. **(In Persian)**
3. Baloy, M., Bayat, M. (2016). *The Government has the Right to Foundation (Analysis of Meaning, Explanation of Meaning)*. Tehran: Majd Publications. **(In Persian)**
4. Biparva, A. (2017). Genocide, A Crime Against Human Rights, *Ghezavat Quarterly*, 23(91) 121-124. **(In Persian)**
5. Craig, C. (2008). The Resurgent Idea of World Government. *June Ethics & International Affairs*, 22(2), 133-142, <https://doi.org/10.1111/j.1747-7093.2008.00139.x>.
6. Du For, R. (2017). Must a World Government Violate the Right to Exit?. *Ethics & Global Politics*. 10(1). 19–36. <https://doi.org/10.1080/16544951.2017.1311482>.
7. Firozi, M. (2016). Obstacles and challenges of the right to development. *Journal of Islam and Social Studies*, 5(3), 70-94 **(In Persian)**.
8. Fraticelli, M., Victor. M. (2014). *The Structure of Pluralism*. Oxford: Oxford University Press. <https://academic.oup.com/book/8249>.
9. Habibzadeh, T., Mansouri, F. (2012). Rereading the Principle of the Common Heritage of Mankind and Its Differences with the Concept of Common Concern of Mankind. *Islamic Law Research*, 14(38), 120-91. **(In Persian)**
10. Hemat, M., Habibi, A. (2017). The Impact of the Characteristics of the Procedure of Periodic Evaluation of Human Rights Council on Promotion of Respect for Human Rights by Governments, *Postgraduate in Political Science*, IAU, Shahreza Branch, (35)163-186. **(In Persian)**
11. Jang, J., McSparren, J., Rashchupkina, Y. (2016). *Global Governance: Present and Future* Palgrave Communications, 2(15045).
12. Lee. J. (2020). Paradox of Hierarchy and Conflicts of Values: International Law, Human Rights, and Global Governance, *Northwestern Journal of Human Rights*, 18(1).
13. Levy.D (2021). COVID-19 and Global Governance. *Journal of Management Studies* 58:2 March <https://doi.org/10.1111/joms.12654>
14. Mohammadi Almouti, M. (2015). The Concept of Global Society and the Analysis of Globalization Process. *Higher Institute of Management and Planning Education and Research*. **(In Persian)**.

15. Motlagh Parande, A., Porhashmi, A., Shirazian, Sh. Zare, A. (1400). Implementation of International Environmental laws in Iran's Legal System, Opportunities and Challenges. *International Studies Journal*, 18(69), 121-138. DOI: 10.22034/ISJ.2021.260906.131 **(In Persian)**
16. Najandi Menesh, H., Daneshfar, P. (2019). Examining the realization of Kantian peace through the international rule of law. *Scientific Journal of Philosophical Researches of Tabriz University*, 14(33), 129-118 **(In Persian)**.
17. Otto, N., Norden, H. (1960). *Einstein on Peace*. New York: Avenel.
18. Qandov, B., Alimukhammedova, N., Zamira, M. (2020). Human Rights are a Social Phenomenon: The Principles of Globalization and Personal Liberty. *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 24(1).
19. Qari Seyyed Fatemi, m. (2016). *Human Rights in the Contemporary World*. Tehran: Contemporary Press, Fifth edition **(In Persian)**
20. Rahmatolahi, H., Shirzad, A. (2018). *Perfectionism and Impartiality and its Effects on the Structure of Power and Public Rights*. Tehran: Majd Publications, Second edition. **(In Persian)**.
21. Rasakh, M., Ameri, F. (2012). A Theoretical Approach to the Concept of the Right of the Third Generation. *Public Law Research Quarterly* (39) 168-193 **(In Persian)**.
22. Shaw, M. (2000). *Theory of the Global State: Globality as Unfinished Revolution*, Cambridge: Cambridge University Press.
23. Solhchi, M., Dargahi, R. (2014). Investigating the nature of Solidarity rights of Collective or People's Rights. *Public Law Research*, 15(41), 144-168. **(In Persian)**
24. Soodmandi, A. (2015). Components of Freedom of Expression in the International Human Rights System. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, 8(2), 88-114. **(In Persian)**
25. Talai, F; Poursaid F. (2012). Investigating the Mutual Influence of Human Rights and Peace on Each Other. *Journal of Human Rights*, 8(1-2), 122-85. **(In Persian)**
26. Tallberg, J., Zürn, M. (2019). The legitimacy and legitimation of international organizations: introduction and Framework. *The Review of International Organizations*, 14, 581–606, <https://doi.org/10.1007/s11558-018-9330-7>.

27. Tinnevelt, R. (2012). Federal World Government: The Road to Peace and Justice?, *Cooperation and Conflict*, 47(2), 220–238. <https://doi.org/10.1177%2F0010836712443173>.
28. Vaezi, A., Hatami Kia, M., Fakhrizadeh, M. (2015). The Right to a Healthy Environment and the Third Generation of Human Rights. *The Third International Science and Engineering Conference*. **(In Persian)**
29. Walzer, M. (2004). *Arguing About War*. New Haven: Yale University Press.
30. Weiss, T. (2009). What Happened to the Idea of World Government. *International Studies Quarterly*, 53(2), 253–271, <https://doi.org/10.1111/j.1468-2478.2009.00533.x>.
31. Wendt, A. (2003). Why a World State Is Inevitable. *European Journal of International Relations*, 9(4), 491–542. <https://doi.org/10.1177%2F135406610394001>.
32. Wendt, A., Salimi, H. (1400). *Why the World Government is Inevitable*. Tehran: Scientific Publication. **(In Persian)**.
33. Zakarian, M. (2014). The Globalization of Dialogue and the Universality of Human Rights. *Globalization Strategic Studies Quarterly*, 5(13) 50-63 **(In Persian)**
34. Zürn, M. (2010). Global Governance as Multi-Level Governance. In: Enderlein, H. Wälti, S. Zürn, M. (eds) *Handbook on Multi-Level Governance*. Cheltenham: Edward Elgar, 80-99.